

خانه ادیبیها غزاله علیزاده



خانه ادیبیها
غزاله علیزاده
تیراژه
۱۳۷۰
دو جلدی
۸۰۰ تومان

چیرگی زن اثیری بر زن خاکی؟

را با اثر برقرار می‌کند و نویسنده نیز می‌تواند تا حدی که می‌خواهد بر خواننده تأثیر بگذارد.

علیزاده در «خانه ادیبیها» با پیرنگی که انتخاب کرده، خود را دچار تنگنای «سیاسی» نویسی کرده است. پیش از او نیز نویسندگان بسیاری نظامهای اقتدارگرا را به باد انتقاد گرفته‌اند. آثار «مارکر» خواندنی‌ترین این آثار در سالهای اخیر است. منتها در این نوشته‌ها، اشاره مستقیمی به محل، یا شخصیت یا دوران خاص تاریخی نشده است و با این که بسیاری از عناصر تخیلی است؛ مجموعه اثر، تأثیری ژرف بر خواننده می‌گذارد و نوعی دلزدگی عمومی از دیکتاتوری را برمی‌انگیزد. «جرج اورول» نیز در «مزرعه حیوانات» از نخستین کسانی است که زنگ خطر در برابر نظام توتالیتر را به این صورت به صدا درمی‌آورد. با این همه نویسندگانی نیز هستند که به روشنی، نظام مسلط بر شوروی یا اروپای شرقی را در دوران خاصی مورد حمله قرار داده‌اند که در آثار برخی از آنان چون «سولژنیستین» و «کوندرا» لحظاتی وجود دارد که می‌شود هجوم و فشار نظام سلطه‌گر را عمیقاً

تکیه بر ساختهای استوار ادبی، چهره‌های کریه و داغهای ننگی را که دامان بشریت را آلوده است، تصویر کنند ولو آن که در این صورت‌پردازی امیدی را جایگزین یاسی نکرده باشند اما تلفیق چنین مهارتی در پروراندن اثر ادبی با تعهدی که نویسنده متصوراً احساس می‌کند. امر پیچیده‌ای است که از یک سو، نیاز به تسلط بر اصول داستان‌نویسی دارد و از سوی دیگر بنا به توصیه موفقترین این نویسندگان، محتاج آن است که نویسنده صرفاً ناظر موقعیتهای دراماتیکی که انتخاب می‌کند نباشد بلکه خود نیز بازیگر آن باشد. البته موفقیت چنین اثر ادبی در گرو آن است که نویسنده بازیگر آگاه آن صحنه‌ها باشد تا بتواند خواننده را برانگیزاند. شخصیتها چنان باید زنده باشند و روابط عاطفی میان آنها و بازتابهای درویشان چنان باید پرداخته شود که خواننده را مجاب کند آنچه رخ می‌دهد در منطق درونی داستان جا افتاده و باور کردنی است. بنابراین نویسنده باید هم بر فرم و هم بر محتوای اثر خود تسلط داشته باشد تا به دام ابتذال موعظه‌گویی و لفاظی نیفتد و به صرف بلندگوهای تبلیغاتی ایدئولوژیک تبدیل نشود. به این ترتیب خواننده بیشترین ارتباط

«خانه ادیبیها»، نخستین رمان «غزاله علیزاده» نیست. بنابراین خواه ناخواه، تأثیر نوشته‌های پیشین بر این کار سنگینی می‌کند. دست کم با خواندن «بعد از تابستان» (۱۳۵۵) و «سفر ناگذشتنی» (۱۳۶۵) تا حد زیادی، و «دو منظره» (۱۳۶۳) نیز به نسبتی، انتظار روبه‌رو شدن با هر قصه‌ای را داریم جز این که وی کتابی درباره شکست انقلاب روسیه بنویسد. بخشی از کتاب هم که در یکی از مجلات ادبی - فرهنگی چاپ شد به هیچ‌رو خبر از این تغییر محتوایی نمی‌داد. ❧

البته از چندین دهه پیش، سنت نوشتن «رمان سیاسی» در اروپا و سپس در سایر کشورها پا گرفت. مباحث بسیاری میان روشنفکران در گرفت که یک اثر ادبی در وهله نخست چه باید باشد. پیش از آن نویسنده با قصد قبلی اثر سیاسی خلق نمی‌کرد و لزوماً شخصیت‌پردازیهای خود را بر پایه هواداری یا مخالفت با وضع موجود پیش نمی‌برد. گاه منتقدان با خواندن اثر، موضع اجتماعی او را توضیح می‌دادند اما سپس گروهی از روشنفکران پدید آمدند که علی‌رغم تفاوت‌هایشان، در یک امر اشتراک داشتند: آثارشان تأثیرهای ایدئولوژیک را نشان می‌دهد. برخی از آنان خود را موظف می‌بینند که در نوشته‌هایشان بر جنبه‌هایی از واقعیت تمرکز داشته باشند و به ناچار درباره آنچه در پیرامونشان می‌گذرد داورى کنند.

شماری از این نویسندگان موفق شده‌اند چون آینه‌ای شفاف، ستیزه‌ها، امیدها، آرزوها و یا شکستهای یک جامعه را منعکس کنند. چیره‌دست‌ترینشان توانسته‌اند با



احساس کرد و با شخصیت‌های داستان در مقابله یا مقاومت در برابر آن همدست شد. این احساس همدردی البته به خاطر حضور واقعی آن نویسندگان در چنان نظامی‌هایی هم بوده است. خانم عزیزه از این سابقه به دور است. با این همه ابتدا اشارات غیرمستقیمی می‌کند (مانند نام خیابانها) و سپس مفاهیمی چون «دیکتاتوری پرولتاریا» (ص ۱۴۵، جلد دوم) را وارد داستان می‌کند. در نتیجه از پیش در خواننده این توقع را به وجود می‌آورد که از او بخواهد شناختی تاریخی از افک و خیزها و پس و پیش آن دوران به دست دهد. وجود اسامی ایرانی آمیخته به سنت‌های غیرایرانی مانند فصل شرابخواری زنان (ص ۱۰۹ و ص ۱۱۰ جلد اول) از یک سو، مفاهیم رایج در انقلاب روسیه همراه با نام‌های جغرافیایی آن کشور از سوی دیگر، در عین حال اشتباهاتی در وقایع نگاری انقلاب روسیه (نظیر شکل‌گیری هسته‌های مقاومت در کوهستان) و دست آخر تمثیلهای گوناگون (پرچم، دیلم و اسکنه)، همه دست به دست هم می‌دهند تا خواننده را هرچه بیشتر سردرگم کنند تا تردید کند که بالاخره این رمان بر بستر اتفاقات واقعی جریان دارد یا صرفاً تخیلی است.

به نظر می‌رسد نویسنده در جاهایی که مطمئن نیست از راه بازتاب روابط میان شخصیتها و توصیف وقایع بتواند زشتی آن نظام را تصویر کند، به کلیشه‌های رایج در دوران جنگ سرد پناه می‌برد تا نفرت خواننده را نسبت به «آتشکاران» و حکومت آنان برانگیزد. عوامل حکومت جدید و هواداران آنان مشتئ بی‌سروپا هستند که یا مدام با هم در حال ستیزه‌اند (نظیر ص ۱۱۱ جلدیک) و یا به مشاجره لفظی با یکدیگر مشغولند (نمونه‌های بسیاری از جمله ص ۹۴، جلدیک). همه «قهرمانان» تک بعدی و گنده‌گو هستند بی‌آنکه رابطه‌ای عاطفی و یا

دوستانه بینشان شکل گرفته باشد، بی‌آنکه زندگی جمعی علاقه‌ای میانشان پدید آورده باشد.

کتاب شخصیت‌های گوناگونی را گرد هم آورده است. اما همه حول شخصیت‌های اصلی زن شکل گرفته‌اند. (در این نوشته به شخصیت‌پردازی مردان رمان اصلاً پرداخته نمی‌شود). زنهای داستان به ترتیب اهمیت «رکسانا»، «خانم ادریسی» و «شوکت» هستند. حتی همه را می‌توان جلوه‌هایی از یک نمونه واحد دانست. این نمونه واحد زنی است که به هر رو در قالب خود نمی‌گنجد: یا چون رکسانا سرگشته و سودایی زندگی را سر می‌کند، یا چون خانم ادریسی با لجاجتی خاموش با پیرامون خود ناسازگار است و یا چون «لقا» تا عرصه را فراخ بیند در حد مقدوراتش قالب پیشین را می‌شکند. اما «قهرمان شوکت» کجای این وحدت می‌ایستد؟ او بیش از هر کسی از پذیرفتن سرنوشت محتمل خود سرباز زده است. دست‌کم در این راه جان خود را به خطر انداخته است. از اعماق فقر و نکبت خود را برکنشید تا با جریانی که نوید تغییر می‌داد، همراه شود. (ص ۴۹، جلد دوم). اما در واقع چنین شخصی قربانی موضع‌گیری نویسنده علیه هواداران چنان جریانی شده است. با این که در سرنوشت نهایی، رکسانا، خانم ادریسی و شوکت همه با هم شریکند. اما آن دو از آغاز ورودشان به داستان همدردی و توجه خواننده را به خود جلب می‌کنند و در پایان نیز مغرور و سربلند مرگ را می‌پذیرند اما شوکت که از محبت نویسنده نیز محروم است تا به آخر گرانجان و دشمن روی باقی می‌ماند و حتی نابودیش ذره‌ای همدردی بر نمی‌انگیزد. در این جاست که به بحث پیشین باز می‌گردیم؛ نویسنده تا چه حد توانایی پرداخت داستان «سیاسی» را دارد؟

نویسنده بر عنصر فنی داستان‌نویسی کم و بیش مسلط است. سابقه نویسنده‌گیش آشکارا نشان می‌دهد که در داستان‌پردازی به شیوه خودش دستی دارد به ویژه می‌تواند با دقت و ظرافت خاصی اشیای بی‌شماری از ریز و درشت را کنار هم بگذارد و تصویری دلپذیر از زمینه به دست بدهد. حساسیت‌های او نسبت به حجم، نور، رنگ و اشیای قدیمی که حاکی از خوش سلیفگی زنانه اوست کفایت می‌کند تا بتواند فضاهایی بنابر میل

خود بیافریند. بخشهایی در همه آثار او جلوه‌گاه این مهارت است. (صفحات ۲۴ و ۲۵ و ۳۶ و ۱۰۵ در «سفر ناگذشتنی»، صفحات ۱۶ و ۱۷ و ۵۹ و ۶۳ در «بعد از تابستان»، صفحات ۵ و ۶ در «دو منظره»، صفحات ۳۳ و ۴۲ و ۷۹ از جلد اول و صفحات ۲۰۹ و ۲۳۵ و ۲۵۵ و ۳۱۴ و ۳۱۵ و ۴۰۳ به بعد تا آخر جلد دوم «خانه ادریسیا» نمونه‌هایی قابل ذکر است). حتی می‌توان گفت توصیف اشیاء و چیدن با دقت آنها کنار یکدیگر، نحوه انتخاب کلمات نویسنده را نیز تحت تأثیر قرار داده است. به عبارت دیگر دقت نویسنده در ارائه فضا است که ایجاب می‌کند کلماتش را با وسواس و ظرافت انتخاب کند اما وسواس او به بیان روابط عاطفی میان شخصیتها تسری پیدا نکرده است مگر به معدودی از آنها و به ویژه به کسانی که نویسنده آنها را خوب می‌شناسد. نه تنها در «خانه ادریسیا» بلکه در آثار پیشین نیز می‌توان کسانی را یافت که در نقش خود بهتر جا افتاده‌اند. (مانند گیاه‌شناس داستان «پاندررا»، «رحیلا»ی داستان «با انار و ترنج از شاخ سیب» از مجموعه «سفر ناگذشتنی»، حورا در «بعد از تابستان»، مهدی در «دو منظره» و رکسانا و وهاب در «خانه ادریسیا»). اما همه اینها از یک جنسند؛ آدماهایی سودایی، اثری و دست نیافتنی. هرچه چهره‌ها عادیت‌تر می‌شوند توانایی نویسنده در نشان دادن روحیات آنها رو به کاستی می‌گذارد.

نه تنها «قهرمان شوکت» بلکه «پری» و «رخساره» و «توکان» نیز که از اعماق جامعه برخاسته‌اند بیش از هر چیز، عامی و شوربخت تصویر می‌شوند. در واقع عزیزه با تقابل شخصیت‌های زنانه سودا زده ولی تمیز و هنرمند و باسواد در برابر زنانه عامی و خشن و بی‌سواد امکان نزدیکی با دست دوم را از خواننده سلب کرده است. این کلیشه که هر چه خوبی است منتسب به یک گروه و هر چه پلیدی است از آن گروه دیگر است، در واقع تکیه به همان سیاق ادبی‌ای دارد که نویسنده به حکومت مروج آن سبک حمله می‌برد. در این دوران دست کم تا این حد باید به خواننده احترام گذاشت که او را گول نزد و به نام دفاع از آزادی در برابر دیکتاتوری، این بار جای گروه‌های متخاصم را در «رمانهای سیاسی» عوض نکرد. هر انسان آگاهی می‌داند که بسیاری از مبارزات سیاسی به ارض موعود نمی‌انجامد، می‌داند

که از انقلابیان که در وهله نخست حق به جانب و اخلاقگرا جلوه می‌کنند، انسانهایی عادی هستند. این داوری است که باعث می‌شود نویسندگان چیره دست و متعهد از همه کسانی که در برانداختن حکومتی دست دارند کلیشه قهرمانان شکست‌ناپذیری را که گویی از هر نقیصه‌ای برکنارند، نپردازند. حال اگر نویسنده «خانه ادرسیها» همین کلیشه را متها درست برعکس به کار برد و تصویری به زشتی تصویر «قهرمان شوکت» که در زندگی عادی از مخوفترین و دلهره‌آورترین چهره‌هاست، به دست دهد، جای حرف باقی می‌ماند. زورگویان نیز چون شکنجه‌گران در وهله نخستین نتراشیده و زمخت و بددهن و مهیب جلوه نمی‌کنند (اولین توصیف از شوکت در صفحات ۸۲۸-۸۲۹ جلد اول) به کار گرفتن این کلیشه‌ها و تک بعدی نشان دادن شخصیت‌های «بد»، اثر هنری را از سکه می‌اندازد و علی‌رغم نیت نویسنده که به نظر می‌رسد می‌خواهد در پایان ماجرا «آتش کوهستان را زنده نگهدارد»، تأثیرات سیاسی را تا نازلترین رمانهای تبلیغاتی فرو می‌کشد.

سراسر کتاب را که بخوانید علت خشونت شوکت به مردم دور و برش را درک نمی‌کنید. او با همه بدرفتاری می‌کند. هیچکس از دوست و دشمن از تیغ حملات او برکنار نیست. سبزه‌جویی با دشمنانش وجهی دارد اما پرخاش و بددهنی با مردمی که خود را حامی آنها می‌داند به چه معناست؟ آنچه شوکت را از بقیه شخصیتها، چه زن و چه مرد، جدا می‌کند همین ترس و وحشتی است که دیگران از او به دل دارند. دلزدگی‌ای که از رفتار او به دیگران دست می‌دهد در بخشهای گوناگون کتاب خود را نشان می‌دهد. در هر حال شوکت و سپس «راخوف» هر دو زنانی هستند که نماد حکومتی شناخته شده قلمداد می‌شوند، هر دو خشوتی زایدالوصف دارند، هر دو بددهن هستند. بددهنی شوکت به جایی می‌رسد که بیشتر چهره‌های لکاته و هرزه را به یاد می‌آورد تا زنی که به هر صورت به زور هم که شده به خاطر این که «صلاح مردم [بی‌چیز] را می‌خواهد» امتیازی از نویسنده گرفته است و از این بابت ظاهراً قرار است قابل احترام باشد. او در لمپن بازی از هیچ مرد بی‌سروپایی کم ندارد، چنان که در کاراندازی، کشتی‌گیری و هزارویک فوت و فن مردانه دیگر. البته نسبت دادن این

خصوصیات به شوکت بی‌دلیل نیست. نویسنده همین که خوب نفرت خواننده را از نماد انقلاب برانگیخت و علیه او تحریک کرد یکی از طنزترین و دلپذیرترین و از این بابت کاملترین شخصیتی را که در رمان خود آفریده، وارد ماجرا می‌کند. تقابل رکسانا و شوکت به محض ورود رکسانا به داستان از نیمه‌های جلد اول شکل می‌گیرد. همه آنچه را که شوکت و هیچ زنی به طور واقعی ندارد رکسانا به تمامی دارد؛ ظریف و حساس، نکته‌سنج و محبوب، زرنگ و انقلابی، شجاع و مهربان است. مظهر «عشق، عشق و عشق» است. (ص ۲۷۷ جلد دوم) و کیست که نخواهد در برابر شوکت به او دل ببندد؟ صرف گفتن این که شوکت مظهر «مادر، زمین و آفتاب» است (ص ۲۷۶ جلد دوم) کار قصه‌گویی را پیش نمی‌برد. درک احساسات مادرانه قطعاً دشوار نیست اما کتاب را که زیر و رو کنید نشانه‌های حاکی از محبت شوکت نسبت به اطرافیان نمی‌یابید، زنان تیره‌روز را به اندازه مردان تحقیر می‌کند و از برابر کودکان بی‌اعتنا می‌گذرد (مگر آن نمونه نادر کمک پنهانی به شیرین) و این درست به خلاف لفاست که از آغاز پیدایش دگرگونیهای در شخصیتش رابطه‌ای دوستانه با کودکان به هم می‌زند. این نیست که نویسنده نتواند علائق عاطفی شخصیتها را پیروراند. در مورد شوکت اصلاً قصد چنین کاری را ندارد. حتی ارائه پیشینه‌ای زنده و دراماتیک را از او دریغ داشته است، حال آن که خواننده چه با گذشته رکسانا و چه با زندگی پیشین خانم ادرسی رابطه برقرار می‌کند و می‌فهمد که قوام شخصیت کنونی آنها از گذشته‌شان می‌آید. می‌فهمد که دل بستگی فعلی خانم ادرسی به «آشکاران» از دیر زمانی که متصوراً تنها عشق زندگی را از دست رفته می‌دانست، مایه می‌گیرد. علت عذاب وجدان رکسانا و بی‌قراری او را پس از ترک خانواده به قصد آغاز زندگی نوین کاملاً درک می‌کند. چون، خیلی ساده، عواطف انسانی خواننده تحریک می‌شود. اما با سردی قلم نویسنده در مورد شوکت نمی‌فهمیم چرا به «آشکاران» پیوسته، چه مراحمی را پیموده و چه تواناییهایی از خود نشان داده است. جملاتی در این باب به اختصار می‌خوانیم، اما حسشان نمی‌کنیم و بنابراین به نفع رکسانا از او فاصله می‌گیریم. حتی نمی‌بینیم که شوکت به اندازه خانم ادرسی درایت داشته باشد. (نمونه درایت‌های خانم ادرسی

در صفحات ۱۰۲ و ۱۰۸ جلد اول و صفحه ۲۸۲ جلد دوم آمده است.) هوچگیری می‌کند اما پای استدلال که به میان می‌آید زود در می‌رود و مثلاً به رکسانا می‌گوید «حرف را نیبچان، آن جوری که هیچکس نفهمد.» (ص ۵۲ جلد دوم) حال آن که در وصف شوکت آمده است که باسواد است، تا حدی سر از مسائل نظری درمی‌آورد و مثلاً می‌داند «قرون وسطی» چیست. اما در عوض «روشنگری» نزد او مفهومی بیگانه است. خلاصه تا نیمه‌های جلد دوم جز نفرت از شوکت احساس دیگری در خواننده تقویت نمی‌شود.

اکنون که باور کردیم آن حکومت و یکی از نمادهای آن یعنی شوکت تا این اندازه تهوع‌آورند، ناگهان شوکت کنار خانم ادرسی، رکسانا و قباد در صدد مقاومت در برابر وضع موجود و مبارزه علیه «آتشخانه مرکزی» می‌ایستد. همین که کمی به افکارمان نظم بدهیم به ناچار باید داوری کنیم که آیا اعتراض این عده و سایر کسانی که از تصفیه‌های حکومتی به وحشت افتاده‌اند از دیدگاهی رادیکال است؟ مفاعد می‌شویم که چنین است، یعنی این افراد دارند علیه فشار، اختناق و زورگویی مبارزه می‌کنند. قصه در پایان نیز می‌خواهد به این باور برسیم. حتی صحنه شست‌وشوی پاهای اعضای خانه از آلودگیها کاملاً ما را مجاب می‌کند که علیه نظام توتالیتری که قصد آوردن «تراکتور» دارد و از گرده همه کار می‌کشد، جنبش یا مخالفت خوانی‌هایی پا گرفته است.

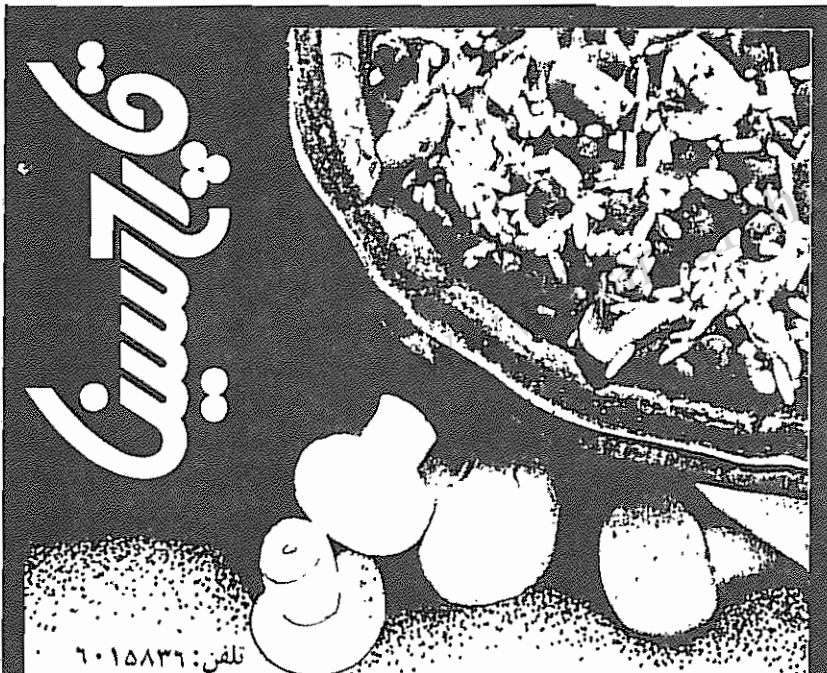
از پیش معلوم است که رکسانا علی‌رغم همه گنج سربها و بی‌اعتقادیش به مردم (که از گفتگوهای خصوصیش با وهاب آشکار می‌شود) چون می‌خواهد به نقش «آرمانی» خود فرو رود، انتخاب خود را می‌کند و همراه می‌شود. بصیرت خانم ادرسی (که منشاء آن هم چندان آشکار نیست) با دل بستگی او به قباد و جبران اشتباههای گذشته درهم می‌آیزد و او را روانه اعدامگاه می‌کند. قباد نیز که از آغاز مظهر خاموش این مقاومت است به تحریک رکسانا وارد گود می‌شود اما باز به شوکت که می‌رسیم درمی‌مانیم. علت دشمنی او با «آتشخانه مرکزی» مبهم است. معلوم نمی‌شود چرا از اجرای دستورهای آنان روگردان است. چه تضادی با آنان دارد؟ خواننده این رمان که لزوماً نباید برود تاریخ انقلاب روسیه را

مطالعه کند تا بفهمد شوکت نماد چه گروهی است. هیچ اثر ادبی، هنری برجسته‌ای برای درک علت و معلول و روابط درونی به ارجاع بیرونی نیاز ندارد.

حال باز آمدیم و پذیرفتیم که شوکت با شرکت در آن طرح، رویکردی دگرگونه نسبت به مافوقهای خود یافته است، تنبیهی به او دست داده و واقعاً از روی مردم شرمند است. آنگاه صحنه ملایمت و نرم خویش را در شب پیش از حمله باور می‌کنیم و شگفت‌زده می‌شویم که چگونه مجلس را به عادت همیشگی به هم نمی‌زند. در خلال این صفحات (چیزی حدود ۱۰۰ صفحه) شوکت ساکت است و به خلاف ماهیت خویش اجازه می‌دهد همه به نوبت سفره دل باز کنند. به نظر می‌رسد نویسنده با همراه کردن شوکت با آن دسته و کسب آبرویی بی‌دلیل برای او، باجی به شوکت داده است که ولو یک شب ساکت بماند و مهلت بدهد تا نویسنده مهارت خود را در نگارش داستانهای کوتاه به خواننده یادآوری کند. داستانهایی که به طور مجزا بسیار خواندنی و جذاب هستند ولی در بافت قصه نمی‌گنجند. این بخش را می‌شود با داستان «طلب آموزش» در مجموعه «سه قطره خون» نوشته «صادق هدایت» و یا اندکی دورتر با «قصه‌های کانتربروری» اثر «چاوسر» قیاس کرد که شخصیتها به ترتیب سرفرصت و بی‌عجله قصه خود را باز می‌گویند. اما چگونه می‌شود در متن داستانی «سیاسی»، در نگرانی و وحشت از حمله آتشکاران، در حضور هول‌انگیز و مداخله‌جوی شوکت، کسانی چنین بی‌دغدغه قصه بگویند و همین که حکایت خود را گفتند صبح فرا رسد؟ اتفاقاً نویسنده در نشان دادن تغییراتی باور کردنی در لقا کاملاً موفق بوده است. از آغاز (جلد اول ص ۱۸۶) این دگرگونیها را آهسته پیش می‌برد و تا پایان، خواننده بی‌هیچ دشواری، چنان تفاوت بزرگی را در زندگی و شخصیت لقا می‌پذیرد. به عبارت دیگر چنین انسجامی در شخصیت‌پردازی لقا و سپس رکسانا و دست آخر خانم ادریسی به چشم می‌آید. زنان دیگر از این بحث برکنارند. به نظر می‌رسد در طول داستان زندگیشان دستخوش تغییری دراماتیک نشده باشند.

شوکت هم به دلایل پیش گفته، شخصیتی نارساست. می‌شود دوگونه نتیجه‌گیری کرد: یکی آن که ضعف شخصیتی شوکت، وضعی تکنیکی است یا آن که اصلاً پدیده آمدن چنین شخصیتی برای هرچه زیباتر، کاملتر و آرمانیتر جلوه دادن چهره رکسانا انجام گرفته است و در واقع نویسنده موضع خود را درباره «مردم» که فکر می‌کنند «کتاب، مجسمه، گلدان، نقاشی، موسیقی و هرچیز زیبا زیادی است.» روشن کرده است. هر کدام که باشد با معیارهای داستان‌نویسی «متعهد و سیاسی» جور در نمی‌آید. برای نوشتن درباره انقلاب روسیه، علیزاده می‌بایست علاوه بر مهارت در داستان‌نویسی،

بر عناصر قصه‌هایش به ویژه بازندگی و شخصیت کسانی که مدافع آن دگرگونی بودند، آشنایی بیشتر می‌داشت تا دست کم می‌توانست نسبت به مجموعه‌ای از زنان بیسواد و عامی که جز کتک و خشونت و تبعیض بهره‌ای از زندگی نبرده‌اند و نه می‌توانند و نه بلدند که شیک‌پوش و ظریف و نکته‌سنج باشند، احساسی انسانی برانگیزد و گرنه «افروخته نگهداشتن آتش کوهستان» از قبیل تحمیلهایی است که پیش از این نیز با در آمیختن مضامین سیاسی با داستان «دو منظره»، نویسنده را وادار به دخالت در حیطه‌ای کرده است که نه تسلط و نه علاقه‌ای به آن دارد.



تلفن: ۶۰۱۵۸۳۶

ورزش و تغذیه صحیح دو عامل اساسی برای حفظ سلامتی و تندرستی

سبزی پلوبا قارچ مواد لازم:



قارچ: ۲۵۰ گرم
برنج: ۵۰۰ گرم
روغن: ۲۰۰ گرم
سبزی: ۴۰۰ گرم (گشنیز، تره، جعفری، کمی شوید و سیر تازه)

طرز تهیه: برنج را پاک کرده به مدت ۲ ساعت با آب گرم و نمک خیس نمایید.

قارچها را زیر شیر آب شست و شو داده و ریز خرد کنید. سبزی را بشوید، ریز خرد کنید و با قارچ مخلوط نمایید. به مقدار کافی آب و کمی نمک را برای برنج آماده نموده، برنج را آبکش نمایید. در ته قابلمه‌ای روغن و کمی آب ریخته و برنج و سبزی و قارچ را لابلای هم در آن بریزید و روی حرارت بگذارید تا بخار کند سپس روی آن کمی روغن داده به مدت ۳۰ تا ۴۰ دقیقه بگذارید تا دم بکشد، هنگام کشیدن روی برنج را با زعفران تزئین نمایید.

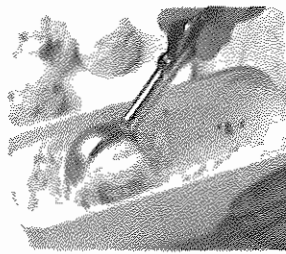
بستنی با طالبی و توت فرنگی



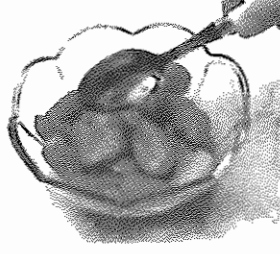
- طالبی کوچک: یک عدد ● توت فرنگی: ۵۰۰ گرم ● عسل: چهارقاشق غذاخوری
- شکر: چهارقاشق چایخوری ● لیموترش: چهارقاشق چایخوری
- خامه: ۱۲۵ گرم ● بستنی گردویی: به مقدار کافی ● نان بستنی: چهار عدد



۴ - پوره توت فرنگی را در چهار ظرف مخصوص بستنی بریزید و در هر یک از ظرفها، دو گلوله بستنی روی پوره بگذارید. قطعات طالبی و توت فرنگی عسلی را در کنار بستنی قرار داده و روی آن را با خامه، توت فرنگی درشت و نان بستنی تزیین کنید. (تصویر چهار)



۳ - بقیه شکر را با خامه بزنید تا سفت شود. سپس آن را در یک قیف ریخته و در یخچال قرار دهید. با قاشق مخصوص بستنی (قاشق توگود) و با قاشق غذاخوری، هشت گلوله بستنی، (اگر بستنی گردویی باشد بهتر است) جدا کنید. برای سهولت کار می‌توانید هر بار قاشق را در یک ظرف آب‌جوش فرو کنید تا گلوله‌ها راحت‌تر فرم بگیرند. گلوله‌های بستنی را برای مدت کوتاهی در فریزر قرار دهید. (تصویر سه)



۲ - توت فرنگیها را بشویید و سر آنها را جدا کنید. چند توت فرنگی درشت انتخاب کنید و برای تزیین روی بستنی، کنار بگذارید. بقیه توت فرنگیها را قطعه قطعه کنید و بعد نیمی از آن را با عسل مخلوط کنید. نیم دیگر توت فرنگیها را با آلبیمو و سه قاشق چایخوری شکر، طوری مخلوط کنید که به شکل پوره درآید. (تصویر دو)



طرز تهیه:
۱ - داخل طالبی را کاملاً تمیز کنید و بعد آن را به صورت قطعات نسبتاً کوچکی برش دهید. دقت کنید که این قطعات بیش از اندازه کوچک نشوند. (تصویر یک)

حوله کلاه‌دار برای کودک

یک حوله کلاه‌دار نرم و قشنگ، کودک شما را بعد از حمام، گرم نگه می‌دارد و بسیار راحت است.

رنگارنگ و یاساده استفاده کنید اما یادتان باشد رنگهایی را انتخاب کنید که کودکان به آنها توجه نشان می‌دهد، برای تزئین پارچه حوله‌ای ساده می‌توانید طرحهای حیوانات را روی حوله تکه‌دوزی کنید. 🐘

طرز تهیه:

۱ - روی کاغذ الگو مربعی با طول و عرض ۸۰ سانتی‌متر رسم کنید. وسط دو ضلع هم زاویه آن را علامت بزنید و دو نقطه را به هم وصل کنید. این قسمت برای کلاه حوله استفاده می‌شود. (طرح یک)

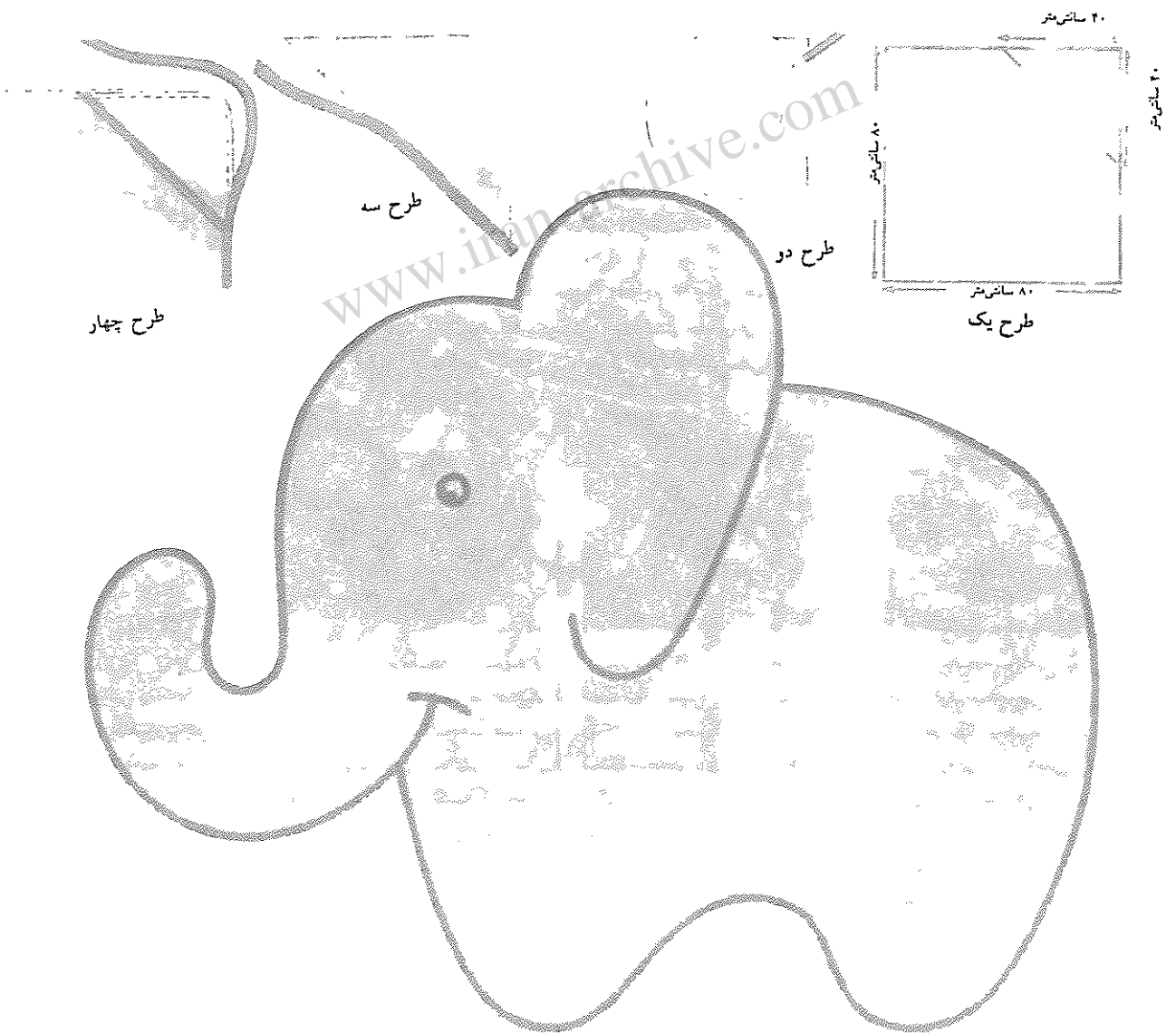
۲ - برای بریدن لبه‌های الگو از یک

مواد مورد نیاز:

پارچه حوله‌ای یک متر به عرض ۹۰
نوار مغزی
کاغذ الگو
بشقاب گرد

🐘 حوله کلاه‌دار بچه هم بسیار قابل استفاده است و هم زیبا. کلاه گرم و نرم آن پس از حمام روی موهای خیس کودک قرار می‌گیرد و او را بعد از حمام کاملاً گرم نگه می‌دارد.

شما می‌توانید از پارچه‌های حوله‌ای



معمولاً خیلی توجه بچه‌ها را جلب می‌کند. برای تکه‌دوزی می‌توانید از فیل کوچولوی ما هم استفاده کنید. طرح فیل را روی کاغذ الگو کپی کنید، بعد آن را روی پارچه‌ای که برای تکه‌دوزی انتخاب کرده‌اید پیاده کنید و پارچه را ببرید. پارچه بریده شده را روی یکی از گوشه‌های حوله قرار دهید و دور آن را لبه دوزی کنید. (مطابق شکل یک) می‌توانید از سلیقه خودتان برای تزئین فیل کوچولو استفاده کنید. مثلاً برای چشم فیل یک دکمه بدوزید.

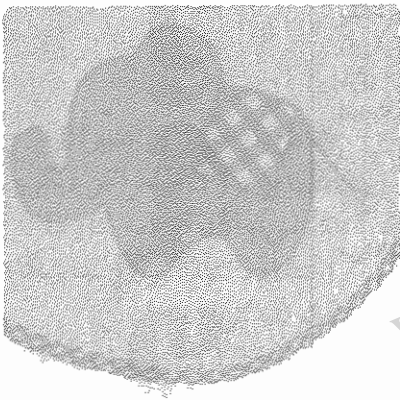
آن قرار دهید و کوک بزنید. آن‌گاه دور تا دور پارچه حوله‌ای را مغزی دوزی کنید. (مطابق طرح چهار)

۵ - یادتان باشد که اگر پارچه حوله‌ای رنگارنگ انتخاب کردید می‌توانید از نوار مغزیهای چند رنگ استفاده کنید که حوله را زیباتر کند. اگر پارچه ساده انتخاب می‌کنید می‌توانید از تصویرهای آماده‌ای که در بازار هست برای تکه‌دوزی روی حوله استفاده کنید و یا خودتان طرحی بزنید. این تصویرها

بشقاب گرد استفاده کنید. بشقاب را در گوشه‌های مربع قرار دهید و با مناد دور آن را خط بکشید و سپس آن را ببرید. (مطابق طرح دو)

۳ - الگوی کلاه را روی پارچه حوله‌ای بیندازید و ببرید. سپس لبه خارجی آن را مغزی دوزی کنید. (مطابق طرح سه)

۴ - الگوی حوله را روی پارچه حوله‌ای بیندازید و ببرید. سپس کلاه را روی یک لبه



شکل یک





بافت الیاف، هنری نیازمند حمایت

کارسش تازه است. احساسی گرم به دل می‌نشانند چون کارها بومی است و جاییش در خانه ایرانی. تاری از احساس و پودی از خلاقیت، هنری نو آفریده به نام بافت الیاف.

با عاطفه صرافى درباره این هنر به گفت‌وگو نشسته‌ایم. ❧

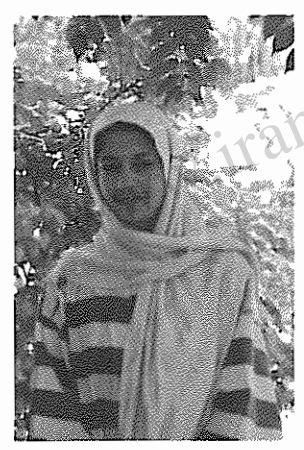
● کار خودتان را بیشتر هنر می‌دانید یا صنعت؟
○ هنر، زیرا ممکن است در درجه دوم، مصارف صنعتی برای آن پیدا شود اما آن را یک هنر می‌دانم. یکی از دلایل آن هم این است که من هرگز از یک کار، دو تا نمی‌بافم بلکه فقط یک نمونه کار می‌کنم و هرگز آن را به تولید انبوه نمی‌رسانم.

● چه کاربردی برای این هنر می‌شناسید؟

○ هدف من این است که این کار به عنوان جزیی از معماری یک فضا مطرح شود مثل سالنهای انتظار و تالارهای نمایش که افراد زیادی هم به آنجا رفت و آمد می‌کنند و معمولاً کفپوشهایی از جنس سنگ دارند که فضا را بسیار سرد می‌کند. در این فضاها سعی می‌کنند از ابزارهای کمک بگیرند تا وارد شوندگان، این سردی و لختی فضا را حس نکنند. معمولاً بر دیوارها فرسگهای بزرگی نصب می‌شود که از فلز یا مصالحی است که باز خود آنها هم سرد است. اما الیاف بافته شده حالت طبیعی و گرمی به فضا می‌دهند که در عین حال صداگیرهای خوبی هم هستند یا بعضی اوقات به جای آن که فضای بزرگی را با دیوار محصور کنند می‌توانند از این الیاف بافته شده به عنوان پارتیشن استفاده کنند. به هر حال کاربرد این هنر در زمینه معماری داخل فضا مطرح می‌شود.

● کاربرد آنها در خانه‌ها چیست؟

○ این کار هنوز جدید است. تجربه نمایشگاههای من این است که مردم هنوز نمی‌دانند این بافتها می‌توانند همان کار تابلو را انجام دهند. می‌دانید که هنوز هم بعضی مردم قالی یا قالیچه به دیوار می‌زنند و این مسئله جا افتاده است، ولی کار من نه تابلوست نه قالی و جاجیم. اکثراً می‌پرسند که ما این کارها را چه کنیم؟ و من پاسخ می‌دهم که می‌توانید مثلاً آن را به دیوار آویزان کنید. متنی این کارها برای منزلی که به شیوه کلاسیک غربی تزئین شده است، اصلاً مناسب نیست. فضای خانه و عناصر آن باید ایرانی باشد.



مسئله دیگر این است که ابعاد بعضی کارهای من بسیار بزرگ است که آنها برای خانه مناسب نیست. من اصلاً مایل نیستم کسی کار مرا مانند یک وصله ناجور در فضایی نامناسب استفاده کند چون به کار من هم لطمه می‌خورد. اما تا به حال فروش عمده من از همین کارهای کوچکی بوده که افراد برای خانه خود خریداری کرده‌اند.

● تا به حال از سوی مراکز بزرگ برای ارائه کارهایتان دعوتی از شما به عمل نیامده است؟
○ من به دلیل تجربه نمایشگاه اول، همزمان با نمایشگاه آخرم

گفت‌وگو با عاطفه صرافى

کارت دعوتی برای تمامی مدیران هتلهای بزرگ تهران فرستادم و با همگی آنها صحبت کردم و خواستم که بایند و کارها را ببینند ولی هیچکدام نیامدند. شنیده‌ام که از آجرکاری ایرانی در معماری فضای کیش خیلی استفاده شده، در نتیجه کارهای من برای آنجا خیلی مناسب است، با سازمان عمران کیش هم تماس گرفتم و کارت فرستادم ولی از آنها هم خبری نشد. با مسئولین صنایع دستی هم صحبت کردم البته نه برای فروش کارها، بلکه فقط برای پشتیبانی که مثلاً اگر بتوانند مرا به مراکزى در جنوب معرفی کنند و تسهیلاتی فراهم شود تا بتوانم چند ایل و کارهای بومیان را ببینم، آنجا به من گفتند که باید کارهایم را ارزیابی کنند. با سازمان ایرانگردی و جهانگردی هم تماس داشتم ولی پاسخی نگرفتم.

● برای کارهایتان از چه الهام می‌گیرید؟

○ یکبار کنار دریا ماهیگیرها را دیدم که تورهایشان را از دریا درمی‌آوردند. در اندک مدتی، انبوهی از تورهای روی هم انباشته شده درست شد که ناگهان من به این فکر افتادم که چقدر اینها می‌توانند الهامبخش باشند. یا گاهی که به بازار تهران می‌روم، جلو سمساریها می‌ایستم. خود الیاف و مواد به آدم خیلی ایده می‌دهند. من از طبیعت هم خیلی الهام می‌گیرم. مثلاً برای یکی از کارهایم که با طناب کتفی درست شده از کویرهای ایران الهام گرفتم. رنگ آن خاکی است و شبیه امواجی است که بر اثر وزیدن باد روی شنهای صحرا ایجاد می‌شود و من بسیار دلم می‌خواهد که بیننده هم مثل خودم احساس مشترک در یادآوری زیبای کویر پیدا کند. در یکی دیگر از کارهایم خواسته‌ام دریا را نشان بدهم. منتها اصرار ندارم که کارم دقیقاً مانند نقاشی باشد. می‌خواهم در کل، دریا را نشان دهم به ویژه

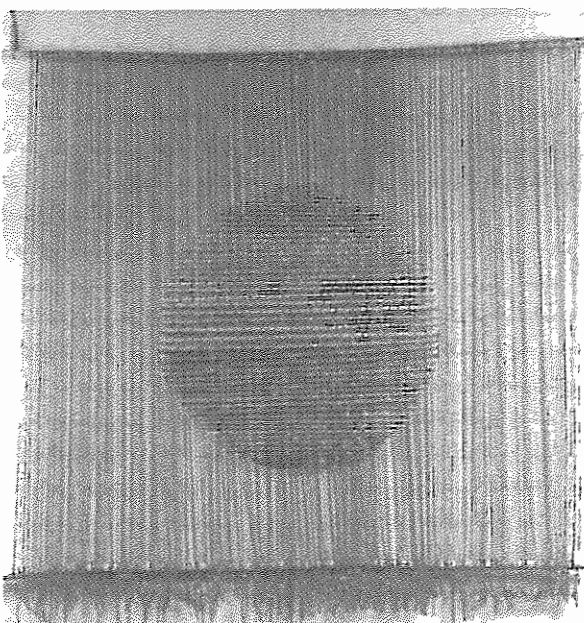
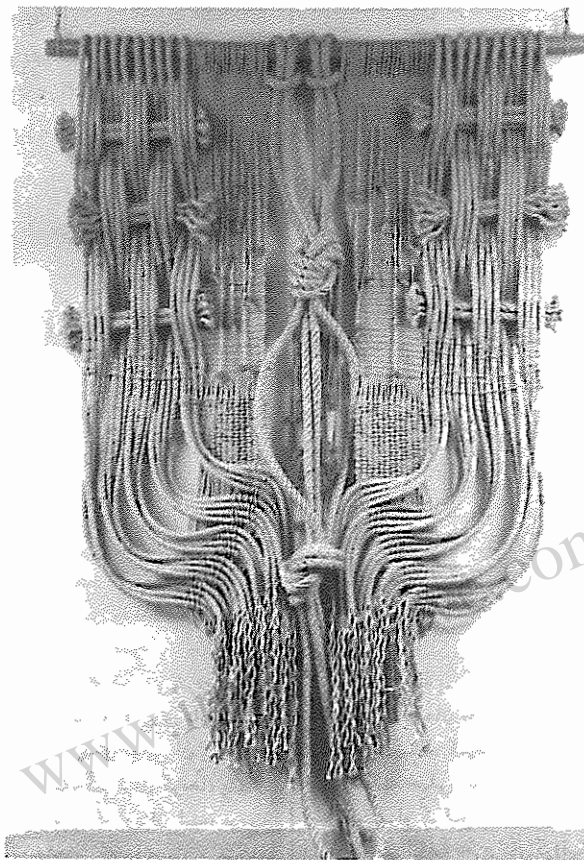
● من در کارهایم از طبیعت و فرهنگ مردم الهام می‌گیرم.

● این کارها خیلی جدید است و مردم هنوز نمی‌دانند که می‌توانند از این بافتها در قسمتهای مختلف خانه به جای تابلو استفاده کنند.

● من از بسیاری مدیران هتلهای بزرگ و مراکز دیگری که می‌توانند از این کارها استفاده کنند، برای نمایشگاهم دعوت کردم تا با این کارها آشنا شوند اما متأسفانه هیچکدام از آنها نیامدند.

● برای این که کارها در معرض دید مردم قرار گیرد و با آن آشنا و مأنوس شوند، تصمیم دارم در آبان ماه نمایش و فروشی از آثارم بگذارم.

● همان‌طور که قالی ایران سالها در دنیا مشهور بوده است این کار هم اگر چه شاید به عمر ما نرسد، آینده روشنی در پیش دارد.



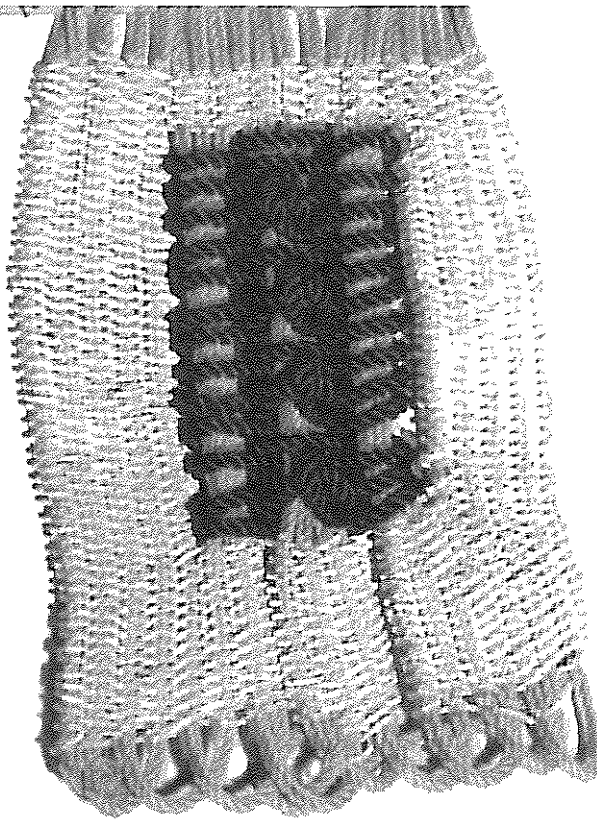
چون ابزار کار من، طناب و الیاف کلفتند، خیلی مناسب ایجاد یک طرح نزدیک به حقیقت نیست. این است که کار، انتزاعی می‌شود و فقط می‌تواند یک احساس را منتقل کند. من از فرهنگ مردم هم الهام می‌گیرم. مثلاً دخیلهایی که به پنجره‌های زیارتگاهها می‌بندند، منبع الهام یکی از کارهای من شده است. در این کار سعی کرده‌ام سه پنجره مانند پنجره فولاد درآورم و به جای دخیلهای، الیاف بافته بگذارم. چون کسی که دخیل می‌بندد یک چیز قرص و قوی از کسی که به او متصل شده، می‌خواهد، بنابراین الیاف خیلی کلفت و محکمی بافتم.

● در صحبتهایتان به دیدار از ایل ابراز علاقه کردید، آیا در آنجا هم منبع الهامی برایتان وجود داشته است؟

○ البته من هنوز متأسفانه نتوانستم از نزدیک با آنها تماس داشته باشم، اما چیزی که همه آنها دارند، سیاه چادر است و الان دارند تمهیداتی به کار می‌گیرند که سیاه چادریشان آب ندهد و می‌خواهند از مصالح امروزی استفاده کنند. من دلم می‌خواهد قبل از اینکه قیر و گونی و غیره وارد زندگی آنها بشود، روی مسئله مطالعه کنم، اگر دیر نشده باشد.

● خانم صرافی، مواد کارتان را از کجا تهیه می‌کنید؟

○ یک مقداری از مواد کارم را از شمال کشور تهیه می‌کنم، مثل الیافی که ماهیگیرها استفاده می‌کنند و در تهران به هیچ‌وجه یافت نمی‌شود، چون کاربردی ندارد. اینجا نخ گونی هست ولی در شمال با یک نخ گونی برخورد کردم که خیلی کلفت بود. اکثر الیافم را از بازار تهران تهیه می‌کنم که یا به شکل رشته کتف است یا به شکل طناب کتف. چون ایران آب وهوایش برای پرورش کتف مساعد نیست بنابراین



فارابی بسته و بورس من لغو شد ولی من چون یکسال از دوره را گذرانده بودم، ادامه دادم و فوق‌لیسانس را در طراحی صنعتی گرفتم و چون به ارتباطات تلویزیون علاقمند شده بودم، در رشته هنرهای زیبا در ارتباطات هنری تلویزیون هم فوق‌لیسانس گرفتم. پس از آن بلافاصله به ایران برگشتم.

● با توجه به رشته‌های تحصیلتان، چطور شد که به بافت الیاف روی آوردید؟

○ من پس از برگشت به ایران در سازمانهای زیادی کار کردم و گاهی می‌شد که همزمان دو - سه کار را با هم انجام می‌دادم. بعدها به دلیل بعضی مشکلات خانوادگی تصمیم گرفتم در خانه کار کنم. چون سالها در خارج از خانه به شدت فعال بودم، وقتی از کار دست کشیدم، دچار نوعی افسردگی شدم و به همین دلیل تصمیم گرفتم کار بافت را شروع کنم. در دوره فوق‌لیسانس دو واحد کار بافت گرفته بودم و آنقدر علاقمند شدم که استادم پیشنهاد کرد تغییر رشته بدهم و چون در حال ارائه پایان نامه بودم، پذیرفتم. با همان تجربه، شروع به بافت الیاف کردم و در اولین نمایشگاه خیلی مورد استقبال و تحسین قرار گرفتم. الان به خاطر آنکه بتوانم الیاف بخرم کار گرافیک می‌کنم. اغلب افراد دیگری هم که کار بافت می‌کنند برایشان یک کار جنبی است، چون درآمدی ندارد.

● خانم صرافى من اینجا یک کسندۀ درخت می‌بینم که روی ریشه‌های آن دارید تار عنکبوت می‌تید. این چیست؟

○ این یک کار جدید است که هنوز در مرحله آزمایش است. این در حقیقت ریشه یک درخت است که آب دریا آن را کسند و به ساحل آورده و من ساقه را به صورت پایه روی زمین گذاشته‌ام و ریشه آن را بالا. آن را در شمال کشور پیدا کردم و برنامه‌ام این است که داخل این ریشه‌ها، تار عنکبوت درست کنم. منتهی هنوز از کارهایی که روی آن کرده‌ام راضی نیستم.

● بافت تار عنکبوت را چطور

می‌کنم و می‌بینم آن چیزی که می‌خواستم نشد. پودها را درمی‌آورم و الیاف دیگری را امتحان می‌کنم. کاری داشتم که حدود یک هفته برای آن تار و پود عوض می‌کردم. وقتی کار بافته شد و از روی دار پایین آمد، ریزه‌کاریهای نهایی آن را انجام می‌دهم: مثل گم کردن گره‌ها، پنهان کردن پودهایی که آویزان شده، مرتب کردن بخشهایی که روی دار و هنگام کار کشیده شده است.

● خانم صرافى دربارهٔ تحصیلتان بگوئید:

○ من ورودی سال ۴۷ در رشته هنرهای تجسمی دانشگاه تهران هستم. در هنگام ورود ما به دانشگاه، رشته‌های دانشگاهی تغییراتی کرد و هنرهای تجسمی تبدیل شد به پژوهش هنری، گرافیک، مجسمه‌سازی و طراحی صنعتی. یعنی گرافیک و طراحی صنعتی برای اولین بار به صورت دو رشته مجزا از هنرهای تجسمی درآمد. من و هم‌دوره‌هایم، اولین فارغ‌التحصیلان رشته طراحی صنعتی و گرافیک بودیم که البته من طراحی صنعتی را انتخاب کردم. بعد از آن، از دانشگاه فارابی برای ادامه تحصیل بورس گرفتم اما این جریان درست مصادف شد با جریان انقلاب و دانشگاه

اینها را از برزیل وارد می‌کنند و در نتیجه خیلی گران است. من از نخ لحاف هم استفاده می‌کنم چون رنگهای بسیار زنده‌ای دارد. بعضی الیاف را هم خودم رنگ می‌کنم و دلم می‌خواهد از رنگهای طبیعی مثل روناس و نیل استفاده کنم ولی خیلی مشکل گیر می‌آید و اکثراً ناخالصی دارد. در نتیجه مجبور می‌شوم از رنگهای شیمیایی هم استفاده کنم.

● از چه ابزار دیگری در کارتان استفاده می‌کنید؟

○ ابزار من تا به حال عبارت بوده است از: الیاف پنبه‌ای، کنفی، گونی، پشم نریسیده گاو و گوسفند، پشم بز و حصیر زابل، از چوب دریا که آنها را می‌شویم و تینر می‌زنم، خرمهره، دانه‌های اسپند، زنگ شتر. گاهی نی را هم به کار می‌گیرم و دنبال چیزهای دیگری هم هستم.

● سیر تکمیل شدن کارتان را برای ما توضیح دهید؟

○ ابتدا طرحی در ذهنم هست که آن را روی کاغذ شطرنجی پیاده می‌کنم. بعد الیاف مناسب کار را خریداری می‌کنم. بعد تارهای بالا و پایین کار را روی دار می‌بندم و سپس با پود شروع به کار می‌کنم. خیلی اوقات ۵۰ - ۶۰ سانت کار

یاد گرفتید؟

○ از روی عکسهای کتابها، چند اسلاید هم خودم داشتم. منتهی باید این کار از نظر بافت هم عملی باشد و گرچه ظاهراً تار عنکبوت را تداعی خواهد کرد ولی درست عین آن نمی‌شود.

● خانم صرافى چند سال دارید؟

○ من ۲۳ ساله هستم.

● نمایشگاههایی که تا به حال داشته‌اید، چه بوده است؟

○ یک نمایشگاه بافت جمعی کوچک در طول تحصیل در امریکا داشتم. دو نمایشگاه خصوصی هم داشتم و اخیراً هم یک نمایشگاه در فرهنگسرای بهمن. در بینال گرافیک و نقاشی هم شرکت کرده‌ام. نمایشگاه نقاشی در گالری سپهری داشته‌ام. دوبار در ایران نمایشگاه طراحی صنعتی داشته‌ام و دو بار هم در امریکا.

● به کدامیک از این کارها بیشتر علاقه دارید؟

○ من به همه این کارها علاقه داشته‌ام، هرگز از روی بی‌میلی کاری را انجام نداده‌ام. ولی این کار بافت برایم حالت دیگری دارد. یعنی فکر می‌کنم اگر من و همکاران دیگرم بتوانیم در این کار موفق بشویم، خیلی ایرانی است و خیلی هویت دارد. همان‌طور که قالی ایران سالها در تمام دنیا اسم داشته، این کار هم اگر چه شاید به عمر ما نرسد آینده روشنی پیش‌رو دارد. اگر توجه و عنایتی به این کار بشود، خیلی برای ایران خوب است.

● تصمیم نداشتید نمایشگاه دیگری بگذارید و یا کارهایتان را بفروشید؟

○ چرا ولی برای هر نمایشگاه باید چند کار جدید داشته باشم. ضمن اینکه مایل هستم کارهایم به فروش برسد و اگر بدانم کسی ارزش کار را می‌داند، قیمت آن خیلی برایم مطرح نیست. به شرط آنکه کار در محلی مناسب در معرض دید مردم قرار بگیرد تا با آن آشنا و مأنوس بشوند. تصمیم دارم که در آبان ماه نمایش و فروشی از آثارم بگذارم.





www.iran

روی هر تکهٔ خاک
بنشانیم درختی که از آن
گل امید برآید فردا

سازمان پارکها و فضای سبز شهر تهران

چاپ جدید

انفارکتوس

منتشر شده

(سکته قلبی)

نه معما، نه فاجعه

مترجم: دکتر ناصر موفقیان
ویراستار: دکتر ناصر لاهوتی
متخصص بیماریهای داخلی و قلب

نویسنده: دکتر لویی کورنو
رئیس کلینیک دانشکده پزشکی
دانشگاه پاریس

پاسخ دقیق و روشن به هزاران پرسش مبتلایان به انفارکتوس:

* قلب سالم چیست و قلب رنجور کدام است؟

* آیا حمله دوم پیش خواهد آمد؟

* آیا رابطه جنسی مجاز است؟

* برنامه غذایی مناسب کدام است؟

* آیا می توان به شغل قبلی خود بازگشت؟

* ورزشهای مناسب چه ورزشهایی است؟

شمیز: ۱۲۰۰ ریال - زرکوب: ۲۰۰۰ ریال

خواستاران کتاب در شهرستانها می توانند بهای آن را به حساب شماره ۴۹۶/۱۱ بانک مرکزی واریز نمایند (از همه شعب بانک ملی می توان به این حساب حواله کرد) و اصل فیش بانکی را همراه با فرم تکمیل شده زیر به دفتر مرکزی این شرکت ارسال دارند تا کتاب با پست سفارشی برای آنها فرستاده شود (لطفاً کپی فیش را نزد خود نگهدارید).

اینجانب به نشانی
کدپستی: تلفن:
با ارسال اصل فیش بانکی شماره به مبلغ
ریال درخواست می کنم نسبت به ارسال کتاب اقدام فرمایید.

انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی
(شرکت سهامی)



آدرس دفتر مرکزی: تهران، خیابان افریقا، چهارراه شهید حقانی (جهان کودک)، کوچه کمان، شماره ۴
کدپستی: ۱۵۱۸۷؛ تلفن: ۷۰-۶۸۴۵۶۹ و ۵-۶-۸۰۱۷۶۰

معرفی کتاب

نخستین خواهان باشد...
... زن باید بداند که نخستین خانه را او ساخت، نخستین پدر را او افشاند، نخستین ظرف را او شکل داد، نخستین تجمعیهای بشری را او محوری کرد. این دانسته‌ها او را می‌دارد در مورد عجز و ناتوانی و فقدان ابتکار و نیاز به دنباله‌روی که به او نسبت داده می‌شود بازنگری کند. ... راهبری فرزندان از سوی مادر، اعمال [قدرت] است. قدرتی که مادر در درون خود دارد و اعمال آن برای تربیت بهنجار کودک ضروری است. با این [قدرت] نمی‌توان او را «ضعیف» و «ذلیل» به حساب آورد... بسیاری از اندیشه‌ها و رفتار اجتماعی از طریق مادر به طفل - دختر یا پسر - منتقل می‌شود. عاقر شمردن زن - مادران، عجز و حقارت نسلیها است. زبونی زنان در جامعه به ضعف و زبونی همگانی می‌انجامد. جبریزدیری و خشونت‌پذیری، از طریق اعمال جبر و خشونت به زنان به صورت اخلاق اجتماعی در می‌آید. ناتوانی، زاده حقارت است و زنان زاینده و پرورش‌دهنده نسلیها هستند.»

کتاب با نگاهی به دورترین چشم‌انداز بیش تاریخ و تاریخ و چگونگی شکل‌گیری اقوام و جوامع و دولتها، نکات مهمی درباره نقش زنان در تشکیل اجتماعات و حکومتها و انگاره‌های مذهبی و از گذشته انسان در این منطقه و ایران فرهنگی و ایران تاریخی به چشم می‌کشد و جابه‌جایی تدریجی نقشها و فرآیند کند تقسیم کار بر اساس جنسیت را با تحلیلی نظری، از چگونگی رخداد آن، باز می‌گوید.

در فهرست طولانی کتاب این سرفصلها به چشم می‌خورد: نقش زن در تکامل انسان هوشمند، آغاز تمدنهای شناخته شده در منطقه ایران فرهنگی، قدرت زنانه و نمودهای آن، وجه تقدس زنان در اساطیر خاورمیانه، جوامع اسکان یافته در فلات ایران تا آغاز نخستین حکومت آریایی (عصر مادها)، اسطوره‌های آفرینش ایرانی (آریایی) و افسانه پری

باستان‌شناسی در پی یافتن هویت راستین زن و اثبات قدرت زنانه در گذشته، به خودی خود راهگشای مشکلات امروزی زنان نیست. این واپسنگری، برای یافتن راهی به سوی آینده است.»

مؤلفان ضمن یادآوری این نکته که خطاب کتاب حاضر به اکثریت است و نه برگزیدگان، اضافه می‌کنند: «تلاش بر این بوده است که به زن در مجموعه این اکثریت بقبولانیم که نقش او حتی در قالب ساده مادر و

که ارزشهای نوینی را طلب می‌کند... زن ایرانی که امروز در قالب استاد دانشگاه، آموزگار، طبیب، وکیل، خطیب، کارمند متخصص و کارگر ماهر و نیمه ماهر و یا حتی زن ساده خانه‌دار پا به ساحت جامعه نهاده است، از نسل مادر خود فرسنگها به دور است. این زندگی جدید نیازمند وضعیت و حقوق جدیدی است که با پارورها و معیارهای ارزشی دهه‌های گذشته در تضاد جدی قرار دارد... به گمان ما عقب‌ماندگی زنان

شناخت هویت زن ایرانی

شهبلا لاهیجی - مهر انگیز کار
چاپ اول - اسفند ماه ۱۳۷۱
قطع رحلی - ۳۴۲ صفحه
قیمت: ۱۲۰۰ تومان
انتشارات روشنگران

«شناخت هویت زن ایرانی در گستره پیش تاریخ و تاریخ» نام کتابی است که به کوشش دو زن ایرانی و همکاری گروهی از اساتید و دانشمندان، پس از هشت سال تحقیق پیگیر، سرانجام در اواخر اسفند ماه ۱۳۷۱ منتشر شد.

«شهبلا لاهیجی» و «مهرا انگیز کار»، مؤلفین این اثر در مقدمه نسبتاً مفصلی که بر کتاب نگاشته‌اند، ضمن توضیح انگیزه خود برای تدوین چنین پژوهشی یادآوری کرده‌اند: «... ما قصد نداریم به بهانه جستجوی هویت زن، میان جنسها خط جدایی بینکنیم و با اثبات حقانیت راستین یا دروغین، خاک و مرز و یا حدود و حیطه‌ای را طلب کنیم زیرا زن در قالب نیم‌پیکر انسانی که زاینده آن نیمه دیگر نیز هست، در جایگاهی فراتر از قوم و ملت و نژاد و تبار قرار دارد. جستجوی هویت راستین زن، تلاش برای یافتن هویت و سرشت راستین بشر در جهانی انسان‌پرور و انسان‌گراست.

... نقشی که زن در کنار و جدا از رطیفه باز تولید نسل انسان - در ساختار اجتماعی و تاریخی، در زیربنای تمدن و فرهنگ، در روان اجتماعی و بیدایش باورها و اعتقادات و سرانجام در اعتلای انسان داشته یا نداشته است، موضوع بحث و تحقیق ما خواهد بود.»

در جای دیگر از همین مقدمه آمده است:

«زن ایرانی نیز همچون زن خاورمیانه‌ای و دیگر همجانشان در سراسر جهان، چارچوبهای کینه را شکسته و از محدوده آشنا و دیربای خود گام به جهانی دیگر گذاشته است

شناخت هویت زن ایرانی

در گستره پیش تاریخ و تاریخ

شهبلا لاهیجی - مهرا انگیز کار



همسر، مهم و دارای بار عظیمی از مسئولیت اجتماعی است. به او بگوییم امر تربیت که به دست مادر انجام می‌گیرد، چه اثرات منفی یا مثبت بسته به ناآگاهی، یا آگاهی او در پیشبرد جامعه دارد. اگر حقوق پیشین او با این مسئولیتها و نیازها همخوانی ندارد، باید برای رفع کمبودها کاری انجام شود و زن ناگزیر است در این واخواهی، خود

یکی از سرفصلهای عقب‌ماندگی اجتماعی ما است و ناشکوفایی نیروهای سازنده در زن ایرانی، تا اندازه‌ای بازسازی اقتصادی - اجتماعی کشور ما را معوق نهاده است...»

«... جستجو در گذشته‌های دور و اوراق پاره شده، گمشده و گاه هرگز نوشته نشده تاریخ و استناد به یافته‌های انسان‌شناسی و

در هزارویکشب. دو بخش پایان به صورت مستقل به وسيله خانم دکتر «ژاله آموزگار» (اسطوره‌های آفرینش ایرانی) و خانم دکتر «کایون مزدابور» (افسانه‌های پری در هزارویکشب) نگاشته شده است.

علاوه بر یادداشتها و منابع که در پایان کتاب آمده است؛ مؤلفین، فهرست جامعی از کتابها و منابع مفید برای مطالعه علاقمندان درباره موضوعهای طرح شده در کتاب و پژوهشهای مربوط به زنان درج کرده‌اند.

کتاب «شناخت هویت زن ایرانی در گستره پیش تاریخ و تاریخ» در ۳۴۲ صفحه و با قطع رحلی و دارای ۲۰۰ تصویر سیاه و سفید است و با جلد گالینگور و تصویر زیبایی از یک بیکره زنانه مفرغین متعلق به گنجینه لرستان زینت یافته به وسیله انتشارات روشنگران منتشر شده است. مؤلفین وعده داده‌اند که در جلد دوم کتاب که مراحل تدوین را پشت سر نهاده به بررسی موقعیت زنان از عصر مآدا تا پایان عصر ساسانی می‌پردازند.

جلد سوم کتاب، روایت نقش زنان در جنبشهای میهنی و رهایی‌بخش در ایران، از انقراض ساسانیان تا پایان حکومت قاجار است.

امیدواریم زنان با استقبال از این کتاب، قدردانی خود را نسبت به مؤلفین و دانشمندان و اساتیدی که در نوشتن کتاب یاری کرده‌اند، نشان دهند و مشوق دیگر پژوهندگان برای کار در این زمینه شوند.

فهرست کتابهای مؤلفان زن:

- روشهای تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی با تأکید بر علوم تربیتی/ مریم سیف زرافی و عزت‌الله نادری، تهران، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، ۱۳۷۱، ۲۴۶ ص، ۱۸۰ تومان.

- دومین انقلاب سوسیالیستی استراتژی نوین/ تاتیانانا زاسلاوسکایا، ترجمه م. دلشاد تهرانی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱، ۳۴۴ ص، ۱۶۰ تومان.

- سنجش توسعه صنعتی مناطق کشور/ مینو رفیعی و الف. خراط زبردست و پ. معزالدین، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۷۱، ۷۴ ص، ۸۰ تومان.

- راهنمای اولیا، دیکته شب برای دانش آموزان کلاس اول دبستان/ فرزانه زبقی، تهران، نشر نی، ۱۳۷۱، ۲۸ ص، ۲۵ تومان.

- شعرترین شعرها/ افسانه یغمایی - شیراز، نوید، ۱۳۷۱، ۲۴۰ ص، ۲۵۰ تومان.

- شمع و گل و پروانه/ مریم فردین، تهران، پیام آزادی، ۱۳۷۱، ۸۸ ص، ۵۵۰ تومان.

- کلیات دیوان پروین اعتصامی/ به کوشش محمدمتقی بابایی، تهران، کتاب نمونه، ۱۳۷۱، ۳۹۲ ص، ۱۶۰ تومان.

- بازی سرنوشت / نسرین ثامن، تهران، نظم، ۱۳۷۱، ۱۷۸ ص، ۸۰ تومان.

- به کی سلام کنم/ سیمین دانشور، تهران، خوارزمی، ۱۳۷۱، ۳۰۰ ص، ۱۷۰ تومان.

- پنجره/ فهیمه رحیمی، تهران، چکاوک، ۱۳۷۱، ۴۱۰ ص، ۲۸۰ تومان.

- تاوان عشق/ فهیمه رحیمی، تهران، چکاوک، ۱۳۷۱، ۲۲۶ ص، ۱۸۰ تومان.

- دین زرتشت و نقش آن در جامعه ساسانیان/ فرشته عبدالهی، تهران، ققنوس، ۱۳۶۹، ۲۴۸ ص، ۱۸۰ تومان.

- زخم خوردگان تقدیر/ فهیمه رحیمی، تهران، چکاوک، ۱۳۷۱، ۲۶۴ ص، ۲۰۰ تومان.

- شیفتگان محبت/ نسرین ثامن، تهران، نظم، ۱۳۷۱، ۲۲۴ ص، ۱۲۰ تومان.

- عروس سیاهپوش/ نسرین ثامن، تهران، نظم، ۱۳۷۱، ۱۴۸ ص، ۷۰ تومان.

- همیشه با تو/ فهیمه رحیمی، تهران، چکاوک، ۱۳۷۱، ۲۲۴ ص، ۲۰۰ تومان.

- دل فولاد/ مینرو روانی‌پور، تهران، نیلوفر، ۱۳۷۱، ۲۷۸ ص، ۱۹۰ تومان.

- داستانهای اولونا/ ایزابل آلتده، ترجمه علی آذرنگ، تهران، مترجم، ۱۳۷۱، ۳۳۶ ص، ۲۵۰ تومان.

- راز خانم مارپیل / آگاتا کریستی، ترجمه پروین خطیبی، تهران، دنیای نو، ۱۳۷۱، ۲۲۴ ص، ۱۶۰ تومان.

- در کوچه‌های خرمشهر / به کوشش مریم شانگی، تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰، ۱۸۲ ص، ۶۰ تومان.

- فرزند خوانده/ کاترین پاترسون، ترجمه صوفیا محمودی، تهران، کارگاه نشر، ۱۳۷۰، ۲۲۱ ص، ۱۲۵ تومان.

- راز جلوگیری از ریزش مو/ استلا ولر، ترجمه بهروز زاله دوست ثانی، تهران، انتشارات ایران زمین، ۱۳۷۱، ۱۵۸ ص، ۱۵۰ تومان.

- پشت درچه‌ها/ شهین خاتمه، تهران، دنیای مادر، ۱۳۷۱، ۳۳۲ ص، ۲۹۰ تومان.

- ارزشیابی عملکرد پرستاری/ طاهره رجبی‌نژاد، تهران، نشر صدوق، ۱۳۷۱، ۱۵۴ ص، ۱۳۷ تومان.

- زیبایی‌شناسی/ مهرانگیز منوچهریان، تهران، کرمی، ۱۳۶۸، ۱۸۷ ص، ۷۰ تومان.

- خانه محبوب من/ مریم روحانی، تهران، شرکت رجای فرهنگی، ۱۳۷۱، ۷۰ ص، ۶۵ تومان.

- ارزشیابی (برنامه کنترل عفونتهای حاد تنفسی)/ سوسن پارسای و علیرضا مانی، تهران، معاونت امور بهداشتی، اداره کل بهداشت خانواده و مدارس، ۱۳۷۱، ۴۰ ص.

- اصول ایمونولوژی پزشکی/ ربابه رضایی پور کار دوست، تهران، مرکز نشر اشارت، ۱۳۷۱، ۶۶۰ ص، ۶۵۰ تومان.

- باکتريولوژی پزشکی/ جميله نوروزی، تهران، اشارت، ۱۳۷۱، ۳۹۶ ص، ۴۴۰ تومان.

- گنجینه سعادت، تفسیر مبارکه نور / مرحومه بانوف - مالک، تهران، قدیانی، ۱۳۷۰، ۱۲۵ ص، ۳۰ تومان.

فهرست کتابهای مترجمان زن:

- اتوبوس شماره ۹ به مقصد بهشت/ لئوسکالیا، ترجمه ناهید ایران نژاد، تهران، روشنگران، ۱۳۷۱، ۳۲۸ ص، ۱۷۵ تومان.

- تشخیص و درمان دشواریهای گفتاری و خواندن/ کارل دلاکتو،

ترجمه نيمتاج زرین قلم، تهران، سلسله نشریات «ما»، ۱۳۷۱، ۲۸۸ ص، ۲۰۰ تومان.

- رفتار درمانی، کاربرد و بازده/ د. ری وگ، ت. ویلسون، ترجمه نسرين پودات، میترا فیض و علی‌اکبر سیف، تهران، فردوس، ۱۳۷۱، ۵۹۲ ص، ۴۸۰ تومان.

- رویاها و رشد شخصیت، گسترش آگاهی در روان درمانی/ ارنست ل. راسی، ترجمه پروانه میلانی و احمد فرزند، تهران، ۱۳۷۱، ۳۸۴ ص، ۱۷۵ تومان.

- مادر یک دقیقه‌ای/ اسپنسر جانسون، ترجمه سیمین محسنی، تهران، نشر نی، ۱۳۷۱، ۱۱۲ ص، ۱۲۰ تومان.

- اسکارلت/ الکساندرا ریپلی، ترجمه مریم بیات، تهران، البرز، ۱۳۷۱، (۲ ج)، ۸۷۲ ص، ۵۹۰ تومان.

- با گرگها می‌رقصد/ مایکل بلیک، ترجمه تواندخت تمدن، تهران، گیل - روشنگران، ۱۳۷۱، ۳۸۴ ص، ۲۵۰ تومان.

- بر باد رفته/ مارگارت میچل، ترجمه شبنم کیان، تهران، پانوس، ۱۳۷۱، ۲ ج، ۱۱۸۶ ص، ۵۵۰ تومان.

- تصویر یک ازدواج/ پرل باک، ترجمه سهیلا خالدی ثابتی حجازی، تهران، هرم، ۱۳۷۱، ۷۱ ص، ۲۳۶ تومان.

- دایره کامل/ دانیل استیل، ترجمه مریم بیات، تهران، نشر البرز، ۱۳۷۱،

- راز/ دانیل استیل، ترجمه شهرزاد ارشدنژاد، تهران، ۱۳۷۱، ۳۳۲ ص، ۲۴۰ تومان.

- ره‌کا/ دافنه دومرویه، ترجمه شکوفه اخوان، تهران، نهال نویدان، ۱۳۷۱، ۲۴۰ ص، ۷۰ تومان.

- سفر به آتلانتیس، سرزمین گمشده/ جیمز و. مارو، ترجمه زهرا فروزانسپهر، تهران، البرز، ۱۳۷۱، ۳۷۶ ص، ۲۶۰ تومان.

- سقوط یک فرشته/ هنری وود، ترجمه شیده جلالی‌فر، تهران، فروغی، ۱۳۷۱، ۶۹۶ ص، ۴۰۰ تومان.

- از مهر و دل‌بستگی/ ک. پانوستوفسکی و دیگران، ترجمه صوفیا محمودی، تهران، کارگاه نشر، ۱۳۷۱، ۱۲۳ ص، ۷۵ تومان.

- انقلاب نیکاراگوا/ ب. استفان و دیگران، ترجمه مریم خراسانی، تهران، دنیای مادر،